

دوامی که به صراحت‌اش خیابان‌ها را تسخیر کرد

پانته‌آ بهرامی در گفت‌وگو با پروین اردلان، مهرانگیز کار، الهه امانی

شنبه 21 نوامبر 2009

تظاهرات اخیر ۱۳ آبان را شاید بتوان نقطه‌ی عطفی در خشونت‌های نیروهای انتظامی در مورد زنان دانست. نه تنها پیکر زنان و دختران جوانی که مورد ضرب و شتم با باتوم قرار گرفتند، بلکه تصاویری که از سوی مردم فرستاده شد، به خوبی نشان‌دهنده‌ی تغییر و روند افزایشی برخورد خشن حاکمیت نسبت به حرکت زنان بود.

برای بررسی چرای آن باید در یک روند تاریخی این جنبش را مورد کنکاش قرار داد. در این مطلب تلاش داریم که به تأثیر جنبش زنان در جنبش آزادی‌خواهی مردم ایران پرداخته و برخی از تجربیات این جنبش را پررنگ‌تر کنیم.

در کشورهای دیکتاتوری به خاطر نبود احزاب و در نبود یک مبارزه‌ی سیاسی برای مطالبات اقشار و گروه‌های مختلف این نقش ناخواسته به جنبش‌های اجتماعی مثل جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش کارگری واگذار می‌شود.

جنبش زنان در ایران البته تاریخ پربراری دارد، ولی به‌خاطر محدودیت‌های زمانی از برهه‌ی پس از انقلاب در محدوده‌ی این برنامه می‌گنجد.

پس از انقلاب ۵۷ و با لغو قانون خانواده و شعار «یا روسری یا توسری» که همچنین ممنوعیت زنان در برخی از عرصه‌ها از جمله شغل‌هایی چون قضاوت و ... یا سرکوب‌های اولیه و سرانجام قوانین تبعیض‌آمیز در حوزه‌ی طلاق و حق حضانت از فرزندان عملاً جنبش زنان را در سرآشیب مقاومت قرار داد.

پروین اردلان روزنامه‌نگار و فعال جنبش زنان بر این باور است که سرکوب‌های اولیه جنبش زنان را از حوزه‌های فردی به حوزه‌های جمعی و عمومی کشاند:



پروین اردلان

اولین برخورد زنان که به صورت جمعی و خیلی گسترده بوده است را در سال ۵۷ می‌بینیم. بعد به‌تدریج با سرکوب‌ها تغییراتی رخ می‌دهد، ولی عملاً این حرکت‌ها از حوزه‌های فردی به حوزه‌های جمعی کشیده شدند.

عمومی‌کردن مسائل زنان در هر حوزه‌ای که باشد، نیاز به ارتباط رودررو و چهره به چهره با آدم‌ها دارد. به نظر من جنبش زنان در ایران بعد از انقلاب و بعد از سرکوب‌های تظاهرات زنان در سال ۵۷، توانست تا حدودی بازیابی خودش را در دو نسل بعدی شکل بدهد.

بینید مثلاً ما در مقاطع مختلف تجمعات زنان را داشتیم در پارک‌های مختلف، ابتدا برگزاری مراسم گوناگون هشت مارس را در حوزه‌های عمومی و بعد مشخصاً خیابانی شد.

یا تجمعات زنان در سالهای ۸۴ و ۸۵ که به خشونت و سرکوب کشیده شد. بعد هم که به‌وضوح کمپین یک میلیون امضاء.

به نظر من اتفاقی که افتاد این بود که ما در جنبش زنان بلوگی را دیدیم که سعی کرد از موقعیت‌ها برای خودش امکان فعالیت بسازد و فضا را در اختیار بگیرد.

بنابراین در این حرکت مدام توانست حضور خودش را در حوزه‌ی عمومی افزایش دهد و صدای خودش را در حوزه‌ی عمومی بالاتر ببرد و این الگویی بود برای این که بتواند حضور خیابانی زنان را در عرصه‌ی گسترده‌تر شکل دهد. در نتیجه جنبش‌هایی مثل جنبش زنان به نظر من توانستند در درازمدت تأثیرات خودشان را در جامعه، ادبیات و در حوزه‌های اجتماعی بگذارند.

به هر حال از نظر تأثیری که در ایجاد گفتمان‌های گوناگون داشت، به‌ویژه دست گذاشتن بر خواست‌های مدنی جامعه به نظر من نقش مهمی داشت. در مورد جنبش سبز هم که ترجیح می‌دهم اسمش را جنبش دموکراسی‌خواهی بگذارم و نه صرفاً جنبش سبز، چراکه معتقدم حرکت‌های نوپا را باید مداوم در حین پیش‌روی نقد هم کرد تا به صرف حرکت‌های اصلاح‌طلب محدود نشود.

رنگ سبز جا افتاده در این جنبش که می‌تواند نمادی باشد از شکل اعتراض مردمی، می‌تواند دلالتی رنگارنگ داشته باشد، این جنبش در واقع از دل بستری برخاسته که از دل آگاهی‌های زمینه‌داری برخاسته بود؛ این حرکت رخدادی یک‌شبه نبود و ما تنها محصولش را می‌بینیم.



مهرانگیز کار

مهرانگیز کار حقوق‌دان معتقد است که جنبش زنان برای جنبش آزادی‌خواهی بسترسازی کرده و علاوه بر آن برای اولین بار با مهاجمین و ضاربین وارد یک گفتمان شده است:

جنبش زنان برای جنبش سبز بسترسازی کرده است. البته مدام که جنبش سبز از حرکات مسالمت‌آمیز انحراف پیدا نکند. به نظر می‌رسد که نتیجه‌ی و محصول بسترسازی زنان است برای این جنبش. و از آن مهم‌تر در جوامع سنتی مثل جامعه‌ی ایران و همواره وقتی زنان از خودشان حرکات شجاعانه‌ای نشان می‌دهند، مردان تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند و مردان تشویق می‌شوند که آن‌ها هم به نحوی شجاعانه حرکت کنند.

به نظر من آن ویژگی صلح‌آمیز حرکات زنان را ما در جنبش سبز دیدیم که به صورت شجاعانه‌ای در فیلم‌ها انعکاس پیدا کرد، به این صورت که این زنان بودند که با ضاربین و با مهاجمین وارد گفت‌وگو می‌شدند و کمتر از صحنه می‌گریختند.

می‌ایستادند و با پلیس گفت‌وگو را شروع می‌کردند و این آغازگر عصر تازه‌ای است در ایران. ایجاد گفت‌وگو با طرفی که مهاجم است، اصل و اساس حرکت مسالمت‌آمیز است که زنان دارند این اصل را به جامعه‌ی ایران آموزش می‌دهند.

الهی امانی از فعالین حقوق بشر و زنان، مبارزه علیه خشونت را یکی دیگر از دستاوردهای جنبش زنان می‌داند و آن را در روند یک جنبش اجتماعی جهانی ارزیابی می‌کند. علاوه بر آن او بر سازماندهی افقی به عنوان یکی دیگر از تجربیات جنبش زنان تأکید می‌کند:

جنبش زنان در فرهنگ‌سازی و اشاعه‌ی فرهنگ مبارزه‌ی بدون خشونت نقش داشته است. مبارزه برای این که افراد و شهروندان بخواهند از موضع قدرت، حقوق خودشان را تقاضا کنند.

تنها در ایران نیست، یک روند جهانی هم هست که امروزه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر یا سند نهایی کنفرانس پکن یا کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان، پیمان‌نامه‌ها و عهدنامه‌هایی از این دست در روند تغییرات بین‌المللی در واقع تنها در دست کنشگران اجتماعی‌ای که از موضع قدرت حق‌طلبی می‌کنند حیات فعالی دارند. مطالبه‌ی حقوقی که در این پیمان‌نامه آمده است حیات واقعی و تجسم آن‌هاست.

البته این دینامیسم با دینامیسم مبارزاتی که در سی سال پیش در سطح جهان و در خود ایران در مبارزاتی که منجر به انقلاب شد می‌دیدیم، کاملاً متفاوت است.

یکی دیگر از دستاوردهای جنبش زنان پرهیز از هیرارشی قدرت، ایجاد شبکه‌های افقی و اصولاً نت ورک، آن شبکه است. موهبتی که همه‌ی ما از آن استفاده می‌کنیم و در عصر تکنولوژی مدرن قرار داریم. با استفاده از امکانات موجود این جنبش‌ها به صورت افقی و به صورت شبکه‌ای فعالیت‌های خودشان را پیش می‌برند.



الهه امانی

اپروین اردلان فعال حقوق زنان با توجه به تجربه‌ی تاریخی ۵۷ براین باور است که در این خیزش دموکراتیک نباید از مطالبات ویژه‌ی زنان صرف‌نظر کرد:

به ما می‌گفتند که الآن دیگر حق طلاق مسأله‌ای نیست. اشتباه ما آن‌جاست که تصمیم بگیریم و بگوییم اول برویم سراغ فلان چیز و بعد سراغ چیزی دیگر.

درحالی که در یک حرکت دموکراتیک همه چیز تأثیر دارد. در این حرکت جنبش زنان از مطالبات حقوقی‌اش، مطالباتی که برای حقوق اساسی‌اش بوده، پی‌گیری این مطالبات در قانون اساسی، قوانین مدنی و کیفری، از هیچ کدام نباید کوتاه بیاید.

باید تمام مطالباتی را که داشته هم‌چنان پی‌گیری کند. اما الان سطح مطالبات افزایش پیدا کرده است. یعنی به همان اندازه که روی حقوق مدنی تأکید می‌شود، روی حقوق شهروندی هم اصرار شود. به همان میزان روی حق رأی و حق زیست سیاسی. این‌ها هیچ کدام دیگری را رد نمی‌کند.

همه فعالان جنبش زنان با هر سطح مطالبات با هر مطالبه‌ای که داشتند، به نظر من در این جنبش باید مطالبات‌شان را مطرح کنند و اولویت قاطع را صرفاً به این حرکت ندهند.

الهه امانی استاد دانشگاه در کالیفرنیا مدل مبارزه علیه خشونت به صورت مسیح‌وار را به چالش کشیده و وجود ساختارهای چرخان برای پاسخ‌گویی به نیازهای عاجل را ضروری می‌داند:

به نظر من این حق انسانی هر فردی است که از خودش دفاع کند و مسیح‌وار نایستند که خشونت به او اعمال شود. وقتی ما از این حرکت‌های شبکه‌های اجتماعی، از حرکت‌های افقی در سطح جهان صحبت می‌کنیم، مقاطع چالش‌هایی هست که نیاز دارد ساختارهایی باشد برای تصمیم‌گیری‌های فوری و عاجل و این یکی از چالش‌های این شبکه‌های افقی است.

مثلاً یک مورد خاص، در جریان «کمپین یک میلیون امضاء» جایزه‌ی سی‌ون دو‌بار بود، مسأله این بود که آیا این جایزه گرفته شود یا نه، یا مبالغ داده شده به چه شکلی استفاده شده و به کجا اختصاص پیدا کند.

برهه‌هایی هستند در مقابل فعالیت‌های اجتماعی و جنبش که احتیاج هست ساختارهایی باشد که بتواند آن ساختارها به آن نیازهای عاجل پاسخ دهد.

از این نظر، بحث این‌که این ساختارها دائمی نبوده و سیال و متغیر باشد برجسته می‌شد. اگر مسئولیتی هست بتواند در دوران‌های مختلف به افراد مختلف تعلق گیرد که همه آن مهارت‌ها را پیدا کنند. و ساختارها قابلیت داشته باشند که بتواند به اشکال گوناگون عمل کنند.

اما پروین اردلان روزنامه‌نگار مهم‌ترین گفتمان را نه بحث بر سر مطالبات، بلکه روش محوری را بحث امروز و عاجل جنبش زنان می‌داند:

در این لحظه به نظر من بحث زنان بحثی حیاتی است، برای این که جنبش‌های دموکراتیک و مسالمت‌جویانه را تجربه کرده است.

به‌خصوص که ما تجربه‌ی عینی، روشن و ملموس کمپین را داشتیم. بنابراین باید روی روش تأکید کنیم، نه الزاماً روی مطالبات در حال حاضر.

اکنون مطالبات آن‌قدر گوناگون و متفاوت است که اگر دعوا سر این مطالبات شروع شود، ما نه تنها توان دموکراتیزه کردن این جنبش را نخواهیم داشت، بلکه خطر پاشیده شدن جنبش هم جدی خواهد شد.

در این مقطع روش محوری بسیار حیاتی است. اگر ما بتوانیم روش و شکل پی‌گیری مطالباتمان را دموکراتیک کرده و اقدامی دموکراتیزه در حرکتمان داشته باشیم، می‌توانیم در آن هر مطالبه‌ای را مطرح کرده و پیش ببریم. این نظر من است.

<http://www.iran-women-solidarity.net/spip.php?article1213>